بالهبة ولا بما يقابلها هل هذا العطاء المعبر عنه بايتاء الفضل عطاء جزاء بعمله
بهبه ونه بانچیکه مقابل هبا است آیا این که معبر عنه است با ایتاء فضل عطاء جزاء بعمل اوست
فيكون فضلا على مثل العمل كقوله تعالى من جاء بالحسنة فله عشر
پس باشد فضل بر مثل عمل مانند قول او تعالی هرکه آمد بیک حسنه پس برای او ده
امثالها او هو عطاء بمعنى الهبة غير مرتب على عمل ولا مطلوب منه جزاء لكن الظاهر
مثل آن حسنه است یا آن عطائیست بمعنی هبا غیر مرتب بر عمل ونه مطلوبست ازو جزا لیکن ظاهر
هو الثاني لانه تعالى ذكر انه اتى داود فضلا ولم يذكر انه اعطاء ما اعطاه
آن عطاء ثانی است زیرا که بدرستیکه او تعالی ذکر فرمود که بدرستیکه خود داود را داد فضل را وذکر نفرمود که بدرستیکه خود عطا کرد
جزاء بعمله لم يطلب منه جزاء على ذلك الفضل ولما طلب الشكر على ذلك
جزا بعمل اوست طلب نکرد ازو جزا بران فضل وهرگاهیکه طلب کرد شکر را بر آن
بالعمل طلبه من آله لا منه كما قال تعالى اعملوا آل داود شكرا لان النعمة
بعمل طلب کرد شکر را از آل او نه ازو چنانکه فرمود او تعالی عمل کنید ای آل داود شکر را زیرا که بدرستیکه نعمت
على الاسلاف نعمة على الاخلاف فهو في حق داود عليه السلام عطاء
بر اسلاف نعمت بر اخلاف است پس آن در حق داود علیه السلام عطا است
هبة وافضال وفي حق آله طلب المعاوضة وقال تعالى بعد ما طلب من
هبه وافضال است ودر حق آل او برای طلب معاوضه است وفرمود تعالی بعد آنکه طلب کرد از
آل داود الشكر بالعمل وقليل من عبادي الشكور فاورد الشكور بصيغة
آل داود شکر را بعمل وکم اند از بندگان من شکر کننده پس آورد شکور را بصیغت
المبالغة اي بصيغة المبالغة فان صيغة فعول هاهنا للمبالغة في فاعل
مبالغه ای بصیغه مبالغه پس بدرستیکه صیغه فعول درینجا برای مبالغه است در فاعل

ليعم ويشمل شكر التكليف الذي كلف الله سبحانه به عباده وشكر التبرع الذي
تا عام شود وشامل گردد شکر تکلیفی را که تکلیف واده است الله سبحانه آن بندگان خود را وشکر تبرع را که
لم يكلفهم به لكنهم اتوا به تبرعا فان المبالغة في الشكر انما هو بالاتيان بقسميه
تکلیف نداده است ایشان را بآن لکن ایشان آمده اند بآن از روی تبرع پس بدرستیکه مبالغه در شکر جز این نیست که آن آمدن است بهر دو قسم شکر
كليهما فشكر التبرع ما يشير اليه قوله افلا اكون عبدا شكورا قول النبي
پس شکر تبرعی آنست که اشاره میفرماید بسوی آن قول او آیا پس نمی شوم بنده بسیار شکر کننده قول نبی
صلى الله عليه وسلم حين قام الليل كله حتى تورمت قدماه فقيل له اتفعل
صلی الله علیه وسلم آنجاکه قیام همه شب فرمود تا آنکه ورم گرفت هر دو قدم مبارک او پس گفته شد مر او را
فقد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك وما تأخر فقال صلى الله عليه وسلم
پس تحقیق مغفور شد الله برای تو آنرا تقدم شده است از گناه تو وآنرا که متأخر شده پس فرمود صلی الله علیه وسلم
ذلك وشكر التكليف ما وقع به الامر التكليفي الالهي مثل قوله تعالى و اشكروا
آن قول را وشکر تکلیفی آنست که واقع شده است بآن امر تکلیفی الهی مانند قول او تعالی
لله وقوله تعالى واشكروا نعمة الله وغير ذلك مما ورد في الكتاب والسنة
و قول او تعالی وشکر کنید نعمت خدا را وغیر آن از آنچیکه وارد است در کتاب وسنت
وبين الشكر بين شكر التكليف وشكر التبرع من التفاوت والتفاضل ما بين
ومیان هر دو شکر شکر تکلیف وشکر تبرع از تفاوت وتفاضل آنچیکه میان
الشكور بين الشكور المكلف والشكور المتبرع فكما ان الشكور المتبرع افضل
هر دو شکر کننده است یکی شکر کننده مکلف ودیگر شکر کننده متبرع پس چنانکه بدرستیکه شکر کننده متبرع افضل است
من الشكور المكلف فكذلك شكر التبرع افضل من شكر التكليف وذلك ظاهر
از شکر کننده مکلف پس انچنان شکر تبرع افضل است از شکر تکلیف وآن ظاهر